**مراجعه به طبیب حاذق هنگام بیماری**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " إذا مرضتم ارجعوا إلى الحذّاق من الأطباء إنّا ما رفعنا الأسباب بل أثبتناها من هذا القلم الّذي جعله الله مطلع أمره المشرق المنير " (كتاب اقدس – بند 113)

2 - " لَا تَتْرُکِ الْعِلاجَ عِنْدَ الإِحْتِيَاجِ وَدَعْهُ عِنْدَ اسْتِقَامَةِ المَزَاج "

(از لوح مبارک طبّ ص ٣-٢٢٢ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

3- " قَابِلِ الأَمْرَاضَ بِالأَسْبابِ وَهَذَا القَوْلُ فِي هَذَا البَابِ فَصْلُ الخِطَابِ "

(لوح مبارک طبّ ص ٢٢٣ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

4 - " لعمری الطّبيب الّذي شرب خمر حبّي لقاؤه شفاء ونفسه رحمة ورجاء قل تمسّکوا به لاستقامة المزاج إنّه مؤيد من الله للعلاج" (از لوح مبارک طب ص ٥-٢٢٤ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

5 - " امر مبرم الهی آنکه بايد مريض بطبيب حاذق رجوع نمايد و آنچه بگويد بآن عمل کند ".

(ص ٢٤٣ گنجينه حدود و احکام)

6 - " حکم الله آنکه مريض به تجويز اطبّاء بايد عمل نمايد ولکن حکيم بايد حاذق باشد در اينصورت آنچه امر کند بايد بآن عمل شود چه که حفظ انسان لدی اللّه از هرامری اعظم تر است . حقّ جَلّ جَلالُهُ عِلْم اَبدان را مقدّم داشته چه که در وجود و سلامتی آن اجرای احکام بر او لازم و واجب . دراين صورت سلامتی مقدّم بوده و خواهد بود ".

(ص ١١-١٠ ج ٣ امر و خلق)

7 - " حاذقين اطبّا و جرّاحين آنچه بنمايند درباره مريض ممضی و مجری است ولکن بايد بطراز عدل مزيّن باشند اگر بحقّ عارف باشند البتّه اولی و احبّ است " (ص ٤-٢٤٣ گنجينه حدود و احکام)



**حضرت عبدالبهاء:**

1- " کلّ مأمور بمعالجه و متابعت حُکماء هستند. اين محض اطاعت امراللّه است والّا شافی خدا " .

(ص ١٥٢ ج ١ منتخباتی ازمکاتيب ط آمريکا)

2- " از رأی حکيم حاذق بنصّ مبارک نبايد خارج شد و مراجعت فرض ولو نفس مريض حکيم شهير بی نظير باشد . باری مقصود اينست که با مشورت حکيم بسيار حاذق محافظه صحّت فرمائيد ".

(ص ١٥٣ ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

3- " اسباب شفای امراض دو نوع است سبب جسمانی و سبب روحانی . امّا سبب جسمانی معالجه طبيبان و امّا سبب روحانی دعا و توّجه رحمانيان و هر دو را بايد بکار برد و تشبّث نمود . امراضی که بسبب عوارض جسمانی عارض گردد بدوای طبيبان معالجه شود و بعضی امراض که بسبب امور روحانی حاصل شود آن امراض باسباب روحانی زائل گردد مثلا امراضی که منبعث از احزان و خوف و تاثّرات عصبيّه حاصل گردد معالجه روحانی بيش از علاج جسمانی تأثير دارد . پس اين دو نوع معالجه را بايد مجری داشت هيچيک مانع از ديگری نيست ....". (ص ١٤٨ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

4- " ای امة اللّه مناجاتهائی که بجهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده لهذا بجهت شفای روحانی و جسمانی ،هر دو ،تلاوت نمائيد اگر مريض را شفا مناسب و موافق البته عنايت گردد ولی بعضی از مريض هاشفا از برايشان سبب ضررهائی ديگر شود اينست حکمت اقتضای استجابت دعا ننمايد . ای امة اللّه قوّه روح القدس امراض جسمانی و روحانی هر دو را شفا دهد ". (ص ١٥٨ ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

5- " در وقت معالجه توجّه بجمال مبارک کن و آنچه بر قلب القا ميشود مجری دار مريضان را بفرح الهی و سرور روحانی معالجه نما دردمندان را درمان بشارت کبری ده و مجروحين را مرهم موهبت عظمی بخش . ببالين هر بيماری چون حاضر گردی سرور و فرح و شادمانی ده و بقوّه روحانی انجذابات رحمانی بخش . اين نَفس رحمانی حيات بخش عظم رميم است و محيی ارواح هر عليل و سقيم" (ص ٨-١٤٧ ج ١ منتخبات مکاتيب ط آمريکا)

6- " ای طبيب اديب ... تو الحمداللّه که دو قوّه داری طبابت جسمانی و طبابت روحانی و روحانيّات را نفوذی عظيم در عالَم جسمانی مثلا مريض را بشارتی ده و سرور و تسلّی ده و بوجد و طرب آر . بسيار واقع که آن سرور و فرح سبب شفای عاجل شد....حال چون چنين است به دو قوّه معالجه نما. احساسات روحانيّه را د رامراض عصبيّه تأثيری عجيب است "

(ص ١٤٧ ج ١ منتخباتی از مکاتيب ط آمريکا)

****